

فصلنامه ژئوپلیتیک - سال هفتم، شماره اول، بهار ۱۳۹۰

صص ۸۸-۱۱۰

بررسی روند مشارکت شهروندان استان کردستان در انتخابات

ریاست جمهوری ۸۴-۱۳۷۶

دکتر مسعود غفاری* - استادیار علوم سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس

بهروز زرین کاویانی - دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۷/۲

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۱/۱۸

چکیده

مشارکت سیاسی به‌عنوان یکی از ابعاد توسعه سیاسی، در برگیرنده ابعاد و وجوه فراوانی است که می‌تواند نظام‌های سیاسی را در فرآیند دستیابی به یک وضعیت مطلوب به لحاظ نزدیکی به دموکراسی یاری رساند. در این راستا مشارکت سیاسی به‌عنوان یک متغیر وابسته، همواره از عواملی چند تأثیر و تأثر پذیرفته است. نوع ساخت نظام سیاسی، وجود قومیت‌ها و هویت‌های متعدد در داخل یک سرزمین، مسائل اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی گوناگون از جمله عواملی هستند که در افزایش یا کاهش سطح مشارکت شهروندان تأثیر بسزایی دارند. هدف از نگارش این مقاله، بررسی علل روند نزولی میزان مشارکت شهروندان استان کردستان در بازه زمانی ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴ می‌باشد. در نهایت نتایج حاصل از تحقیق بیانگر آن است که عوامل اقتصادی، رسانه‌ها، حقوق شهروندی، تغییر فضای سیاسی کشور و همچنین تغییر و تحولات سیاسی در کردستان عراق، بر کاهش سطح مشارکت مردم استان کردستان تأثیرگذار بوده‌اند. در این تحقیق مهمترین عامل داخلی امید به تغییر فضای سیاسی کشور در دوره زمانی مورد مطالعه است و مهمترین عامل تأثیرگذار خارجی نیز تغییر و تحولات صورت گرفته در مناطق کردنشین عراق و دستاوردهای مهم آنان در چارچوب کشور عراق بوده است.

واژه‌های کلیدی: دموکراسی، مشارکت سیاسی، انتخابات ریاست جمهوری، استان کردستان، ایران.

۱- مقدمه

انتخابات آزاد و عادلانه، یکی از عناصر اصلی تشکیل‌دهنده نظام‌های مردمسالار و بخش جدایی‌ناپذیر از روند اجرایی دموکراسی^۱ است. رقابت در انتخابات، عمده‌ترین ابزاری است که مقامات دولتی را ناگزیر به پاسخگویی در مقابل مردم و پذیرش به نظارت آنها می‌کند. به این لحاظ یکی از معیارهای تشخیص وجود دموکراسی در نظام‌های سیاسی، برگزاری انتخابات است. درحالی که انتخابات نوعی سنجش در سطح نمایان جامعه است، برآیند گرایش‌های نهفته در عمق جامعه نیز تلقی می‌شود.

اهمیت نگرش عمومی به حکومت و اطلاع از خواسته‌ها و انتظارات مردم جهت دستیابی به معیارهای مشروعیت بخش به حکومت، بر کسی پوشیده نیست. ساکنان هر فضای جغرافیایی، بر اثر تعاملات روزمره با همدیگر در طی زمان، نگرش مشترکی نسبت به همدیگر پیدا کرده‌اند و دیدگاه‌های ویژه‌ای نسبت به موضوعات سیاسی-اقتصادی دارند. تحولات اجتماعی و اقتصادی تغییراتی در نگرش افراد ایجاد می‌کند که این تغییرات باعث تغییر نگرش‌های مردم نسبت به موضوعات گوناگون، از جمله معیارهای مشروعیت بخش به حکومت می‌شود. از آنجا که هر نظام سیاسی نماینده تمام مردم ساکن در قلمرو جغرافیایی مربوطه است، در سیاستها و برنامه‌های توسعه، باید دیدگاه‌ها، نگرش‌ها و خواست همه افراد جامعه لحاظ شود، در غیر این صورت چنانچه گروهی احساس کند که خواسته‌ها و نیازهایش مورد بی‌توجهی است، خود به خود احساس بیگانگی کرده و زمینه‌های تفرق و از هم‌پاشیدگی وحدت ملی ایجاد می‌شود (حافظ‌نیا و دیگران، ۱۳۷۸: ۲).

رفتار سیاسی شهروندان استان کردستان در قالب شرکت در انتخابات ریاست جمهوری، به‌علت افتراق قومی و مذهبی آنان با اکثر جامعه ایران و نیز فعالیت سیاسی نخبگان قومی در این زمینه و همچنین تأثیرپذیری مردم این استان از تغییر و تحولات منطقه‌ای، همواره از اهمیت خاصی برخوردار بوده است.

مشارکت سیاسی مردم این استان در سه دوره انتخابات اخیر ریاست جمهوری، روند نزولی آشکاری را نشان می‌دهد، به طوری که از مشارکت ۷۹/۴ درصدی در انتخابات سال ۱۳۷۶ به مشارکت ۵۳/۴ درصدی در سال ۱۳۸۰ و ۲۴/۶ درصدی در سال ۱۳۸۴ کاهش یافته است. این کاهش معنادار و قابل توجه حضور مردم در انتخابات ریاست جمهوری را می‌توان از جنبه‌های مختلف بررسی و تحلیل کرد.

در دنیای امروز، منسجم‌ترین دولت‌ها، دولت‌های مبتنی بر ملت یا دولت‌هایی هستند که مردم آنها آگاهی عمیق از اشتراکات و تمایلات خود دارند. اقوام و در کل شهروندان، بازیگران حقیقی و جان‌دهندگان به حکومت‌ها هستند. پس شناخت حلقه‌های پیوند قومیت‌ها و حکومت‌ها از اهمیت بسزایی برخوردار است و مشارکت انتخاباتی، یکی از حلقه‌های واسط است. امروزه در جوامع چند قومی، فاصله اجتماعی یا شکاف‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بین گروه‌های جمعیتی و قومی ساکن در یک محدوده سیاسی- جغرافیایی، از جمله موضوعاتی است که در ایران در مقایسه با بسیاری از کشورهای دیگر از لحاظ نظری و تجربی، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. فاصله اجتماعی موضوع جدیدی نیست؛ ولی با توجه به اهمیت روز افزون آن در فرایند ملت‌سازی و تقویت هویت و همبستگی اجتماعی عام در هر جامعه، به‌ویژه در شرایط جهانی شدن، بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است. وجود فاصله اجتماعی وسیع و احساس دوری در بین اقوام ایرانی، می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری تضادها قومی و در سطح بالاتر شکاف‌های قومی باشد که این امر، اقتدار ملی و هویت جمعی عام ایرانی را در سطح داخلی و خارجی تضعیف و متزلزل خواهد نمود. از هم‌گسیختگی اجتماعی و فاصله‌های قومی، ساخت قطاعی را به‌همراه خواهد داشت؛ در چنین شرایطی است که به جای همفکری، همدلی، همیاری، بین قومی، شاهد تضادها و تعارضات و ائتلاف پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های اقوام خواهیم بود.

در این پژوهش، به‌دلایل سیر نزولی مشارکت مردم استان کردستان در دو دوره اخیر انتخابات ریاست جمهوری (هشتم و نهم) پرداخته خواهد شد. در این راستا این تحقیق به بررسی تأثیرات پنج مؤلفه اصلی اقتصاد، رسانه، حقوق شهروندی، عوامل (تحولات) سیاسی

داخلی و تغییر و تحولات در کردستان عراق بر کاهش میزان مشارکت شهروندان استان کردستان ایران، در انتخابات ریاست جمهوری کشور خواهد پرداخت.

۲- مبانی نظری

۲-۱- مشارکت سیاسی

یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذار بر روند دموکراسی، «مشارکت سیاسی» است. سیلز^۱، مشارکت سیاسی را فعالیت ارادی می‌داند که از طریق آن، اعضای جامعه مستقیم یا غیرمستقیم در انتخاب حاکمان و در شکل دادن به سیاست عمومی سهیم می‌شوند (Sills, 1968: 252).

مشارکت سیاسی، درگیری فرد در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی از عدم درگیری تا داشتن مقام سیاسی است؛ زیرا این مؤلفه دگرگونی در ساخت قدرت سیاسی و عقلانی کردن شیوه زندگی مردم را به دنبال دارد. در همین ارتباط، انتخابات یکی از شاخصه‌های توسعه سیاسی و بیانگر نقش مردم در حکومت است. قوانین انتخاباتی، اجرای آن و میزان مشارکت مردم در انتخابات نشانگر رابطه حکومت و مردم و وضعیت اجتماعی آنان است (کاوایان‌راد و ویسی، ۱۳۸۷: ۴). دایره المعارف بین‌المللی علوم اجتماعی، مشارکت سیاسی را چنین تعریف کرده است: مشارکت سیاسی، شامل فعالیت‌های اختیاری صورت گرفته توسط توده مردم برای تأثیر بر سیاست عمومی است. این تأثیر می‌تواند به صورت مستقیم یا به صورت انتخاب شخصی باشد که سیاستگذاری می‌کند. مثال این فعالیت‌ها شامل رأی دادن در انتخابات، کمک کردن به یک رقابت سیاسی، کمک مالی به یک کاندیدا، تماس با مقامات، اعتراضات و ... می‌باشد (Uhlauer, 2004: 146). همچنین گیدنز مشارکت سیاسی را به مثابه یک حق سیاسی مورد توجه قرار داده و در تعریف «حقوق سیاسی» می‌نویسد: حقوق مشارکت سیاسی، مانند حق رأی در انتخابات ملی و محلی که شهروندان ملی و محلی دارا هستند (گیدنز، ۱۳۷۳: ۸۱).

مشارکت سیاسی در تمام سطوح متناسب با پایگاه اجتماعی، اقتصادی، تحصیلات، سن، شغل،

1. Sills

جنسیت، مذهب، قومیت، ناحیه، محل سکونت، شخصیت و محیط سیاسی یا زمینه‌هایی که در آن مشارکت صورت می‌گیرد فرق می‌کند. همبستگی بالایی میان میزان مشارکت سیاسی و میزان آنچه «اثربخشی سیاسی» معروف است وجود دارد، یعنی اثربخشی سیاسی فرد و این احساس که می‌توان در سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها تأثیر گذاشت (راش، ۱۳۷۷: ۱۴۱). اساساً از جمله تأثیرات ملموس و عینی دموکراسی، مشارکت سیاسی شهروندان در انتخاب رهبران سیاسی و همچنین میزان تأثیرگذاری رأی آنها بر تصمیمات نخبگان سیاسی در حوزه سیاست‌گذاری‌های کلان و امور اجرایی است که مستقیماً با آرا و سرنوشت مردم گره خورده و پیوند ناگسستنی دارد.

۲-۲- مشارکت سیاسی و حقوق شهروندی

رابرتسون^۱ مشارکت سیاسی را با دموکراسی همسو و آن را در امکان و گستره به‌کارگیری کنش‌های سیاسی جستجو می‌کند: مشارکت سیاسی معمولاً به دامنه دسترسی شهروندان به حقوق دموکراتیک معمول در فعالیت سیاسی که به‌طور قانونی استحقاق آن را دارند، اطلاق می‌شود (Robertson, 1993: 383-384) در نتیجه مفهوم دموکراسی ارتباط تنگاتنگی با مفهوم حقوق شهروندی و آزادی‌های سیاسی دارد. مارشال^۲ جامعه‌شناس انگلیسی با طراحی جدید از مفهوم شهروندی، مصادیق آن را در بهره‌مندی سه مجموعه از حقوق می‌بیند که به‌واسطه ایجاد نهادهای مناسب، توسعه می‌یابند:

- ۱- شهروندی مدنی که به آزادی‌های فردی و عدالت مرتبط است و به‌وسیله دادگاه و هیأت منصفه تأمین می‌شود؛
- ۲- شهروندی سیاسی به مفهوم حق انتخاب و فرصت‌هایی جهت مشارکت در سیاست و تصمیم‌گیری‌هاست؛
- ۳- شهروندی اجتماعی نیز بر سطح مناسب زندگی دلالت دارد که با تحصیلات و خدمات رفاهی و اجتماعی تأمین می‌شود.

1. Robertson

2. Marshall

مارشال، ملاک شهروندی را در برخورداری از سه حق مدنی، سیاسی و اجتماعی می‌داند. حقوقی که تأمین آن به صورت انفرادی یا جمعی جزئی یا کلی، در بسیاری از جوامع، به‌ویژه برای زنان و اقلیت‌ها (اعم از زبانی، مذهبی، قومی و نژادی)، مصداق خارجی ندارد و یا در پایین‌ترین سطح خود قرار دارد. برابری، یکی از ویژگی‌های اساسی و مهم شهروندی است. عملاً شماری از گروه‌ها در بیشتر دولت‌ها احساس می‌کنند که شهروند درجه دوم هستند و این واژه‌ای است که به‌وسیله ویکلی^۱ یکی از سیاستمداران آمریکا در طول جنگ دوم جهانی، جهت اشاره به سیاهان به‌کار می‌رفت. امروزه گروه‌های متعددی، از جمله گروه‌های شناخته شده قومی و غیره در مقایسه با شهروندان کامل یا حقیقی، از رفتار تحقیرآمیز در رنج‌اند. هر چند که ممکن است قانون احکام مشابهی را صادر نماید. ولی در واقع، این شهروندان می‌توانند ادعا کنند که با آنان هم‌تراز کسانی که از حقوق و منزلت یک شهروند برخوردارند، رفتار نمی‌شود. اقلیت قومی، مذهبی و فرهنگی و افراد متعلق به طبقات پایین اجتماع که دچار فقر فزاینده اند، در زمره شهروندان درجه دوم قرار می‌گیرند. این فقر رو به رشد، اصل برابری نهفته در نظام شهروندی را نقش بر آب می‌کند و دیگر حقوق نظام شهروندی متجلی در حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی را دور از دسترس نگه می‌دارد (مقصودی، ۱۳۸۰: ۵۴). برخی بر این باورند مفهوم توسعه سیاسی امروز بیشتر در قالب گسترش دموکراسی مردمی در مدیریت سیاسی درک می‌شود (فکوهی، ۱۳۷۹: ۲۱). تردیدی نیست که انتخابی بودن نهادهای سیاسی و نظارت مردم بر این نهادها از مکانیزم‌های توسعه سیاسی است. ساختارهای دموکراسی با تأمین آزادی تشکیل سازمان و ارتباط‌گیری و تشکیل احزاب سیاسی و با واسطه ساختن تعیین سیاستگذاران بلندپایه به پیروزی در انتخابات، امکان تأثیرگذاری شهروندان را بر سیاست فراهم می‌سازند (طیب، ۱۳۸۰: ۱۳۹). که خود جنبه‌هایی از حقوق شهروندی را محقق خواهد کرد.

۳-۲- عوامل مؤثر در مشارکت سیاسی

به اعتقاد اولسون^۱ عوامل بسیاری بر مشارکت متعارف تأثیرگذار هستند از جمله این عوامل:

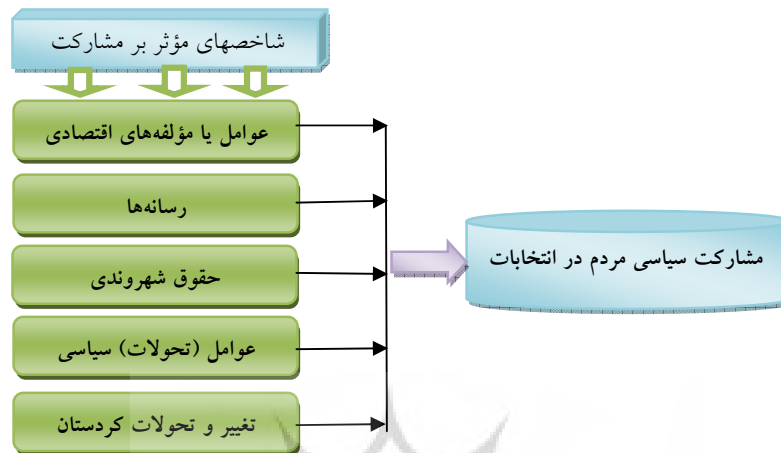
- ۱- بی‌علاقگی یا بی‌اعتمادی سیاسی: عدم علاقه در امور سیاسی؛
 - ۲- تأثیرگذاری سیاسی: اثرگذاری سیاسی اعتقاد به ایجاد تغییر و دگرگونی در حوزه سیاسی است. زمانی مردم در یک انتخابات بیشتر شرکت می‌کنند که آرای خود را در نتیجه انتخابات با ارزش و مؤثر ارزیابی نمایند؛
 - ۳- گسترش منابع سیاسی: توانایی افراد یا گروه‌هایی که می‌توانند در فرایندهای سیاسی مؤثر باشد. این منابع شامل پول، زمان، مهارت ارتباطی و تماس‌های شخصی است. معمولاً زنان و اقلیت‌ها کمتر از این منابع استفاده می‌کنند؛
 - ۴- جامعه‌پذیری سیاسی: بعضی از مردم در شرایطی اجتماعی شده‌اند که گرایش بیشتری به مشارکت در امور سیاسی دارند؛
 - ۵- وسایل ارتباط جمعی: وسایل ارتباط جمعی با پوشش حمایتی خود از نامزدها، شهروندان را به مشارکت ترغیب می‌کند.
- از نظر اولسون عوامل دیگری می‌تواند بر مشارکت تأثیر داشته باشند: آسان‌تر شدن مشارکت، افزایش تحصیلات مردم و درک آنها از اهمیت مشارکت، رفع موانع قانونی (محرومیت از رأی دادن و افزایش مشارکت اقلیت‌ها)، بی‌اعتمادی به دولت (در صورتی که وقایع خاصی اتفاق بیفتند)، وجود برخی نامزدها که می‌توانند بر انگیزه مشارکت مردم مؤثر باشند (اولسون، ۲۰۰۵: ۳؛ به نقل از پرچی، ۱۳۸۶: ۴۸-۴۷). رویکرد دال^۲ نسبت به مشارکت سیاسی تلفیقی بوده به این صورت که از ترکیب متغیرهای روان‌شناختی و جامعه‌شناسی بهره گرفته است. دال در مقام پاسخ به این پرسش است که چرا هنوز بخش عمده‌ای از شهروندان در کشورهای دموکراتیک علی‌رغم وجود بسترها و شرایط مناسب، از درگیری و مشارکت در مسائل سیاسی، اجتناب می‌ورزند؟ او پاسخ خود را در قالب شش فرضیه مطرح می‌کند. به نظر

1. Olson

2. Dall

وی احتمال مشارکت سیاسی افراد زمانی پایین می‌آید که:

- ۱- فرد مشارکت کننده منافع حاصل از مشارکت سیاسی خود را در مقایسه با منافع حاصل از فعالیت‌های دیگر کمتر ارزیابی می‌کند؛
 - ۲- تصور کند مشارکت او از اهمیت برخوردار نبوده و ارزش چندانی ندارد؛
 - ۳- تصور کند شرکت او در انتخابات نمی‌تواند در نتایج انتخابات تأثیری گذاشته و در آن تغییری ایجاد کند؛
 - ۴- تصور کند (اطمینان یابد) در صورتی که خودش مستقیماً در انتخابات شرکت نکند، نتایج رضایت بخش خواهد بود؛
 - ۵- تصور کند که از دانش و معلومات کافی برای تأثیرگذاری بر نتایج انتخابات برخوردار نیست؛
 - ۶- تصور کند موانع و محدودیت‌های موجود بر سر راه مشارکت او بیشتر است.
- برادول^۱ جنسیت، منطقه سکونت، سن، تحصیلات، درآمد، نژاد، قومیت و دین را بر میزان مشارکت مؤثر می‌داند و بر مبنای تحقیقات خود، در پاسخ به این سوال که چرا مردم در امر سیاسی مشارکت می‌کنند. عواملی همچون: منافع شخصی، نیازهای روانشناختی و اهداف زندگی شخصی تهدید روانشناختی و فقدان مهارت در انجام فعالیت‌ها سیاسی مؤثر می‌داند. علاوه بر این موارد، ناامیدی و دلسردی از نتایج انتخابات، وجود نظام تک حزبی، تردید در مؤثر بودن در نتیجه انتخابات، عدم رقابت کاندیداها و عدم وجود کاندیدای رقیب، از عواملی است که بر میزان مشارکت افراد در امور سیاسی و به‌ویژه در انتخابات تأثیرگذار است (برادول، ۲۰۰۶: ۵۶-۱. به نقل از پرچمی، ۱۳۸۶: ۴۱-۴۰).



نمودار شماره ۱: مدل تجربه تحقیق (شاخص‌های مؤثر بر مشارکت سیاسی)، ماخذ: نگارندگان

۳- روش‌شناسی تحقیق

روش پژوهش حاضر، میدانی- تحلیلی است. روش میدانی مبتنی بر روش پرسشنامه‌ای است که در آن متغیرها با استفاده از هدف مورد نظر پژوهش و مطالعه مبانی نظری تهیه شده است. جامعه آماری ۳۳۲ نفر از دانشجویان و اساتید دانشگاه ساکن استان کردستان بوده و اساس تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش حاضر هستند که با استفاده از نرم افزار آماری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته اند. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از عملیات میدانی، از دو روش آمار توصیفی و استنباطی (آزمون T و رگرسیون) استفاده شده است.

۴- یافته‌های تحقیق

بر مبنای چارچوب نظری و مدل مفهومی تحقیق در این مطالعه به منظور عملیاتی نمودن متغیرها به طرح گویه‌های با طیف لیکرت در ارتباط با هر یک از متغیرها پرداخته شده است. در این راستا تلاش گردیده تا گویه‌های مورد نظر به گونه‌ای طراحی شوند تا ضمن تأمین روایی و پایایی لازم به لحاظ آماری، نقطه نظرات کارشناسان را نیز مورد توجه قرار دهد تا به بهترین نحو پاسخ لازم را برای سئوالات فراهم سازد. جدول شماره ۱ گویه‌ها و تعداد آنان را

برای سنجش هر یک از مؤلفه‌های مؤثر بر میزان مشارکت را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱: معرفی متغیرها و شاخص‌های اصلی تحقیق

متغیرها	شاخص‌ها	تئوری یا دیدگاه تبیین کننده
عوامل یا مؤلفه‌های اقتصادی	<ul style="list-style-type: none"> - پائین بودن سطح درآمد سرانه مردم - افزایش بیکاری در سطح استان - سیر نزولی رشد صنعت - تداوم و گسترش محرومیت 	<ul style="list-style-type: none"> - تئوری اندروس - تئوری داونز - تئوری میلتون ایسمن - نظریه توسعه ناموزون و نابرابری‌های منطقه‌ای - مصاحبه با خبرگان
رسانه‌ها	<ul style="list-style-type: none"> - ماهواره، تلویزیون، روزنامه 	<ul style="list-style-type: none"> - تئوری اولسون - مصاحبه با خبرگان
حقوق شهروندی	<ul style="list-style-type: none"> - استفاده از زبان مادری در محافل علمی - آزادی استفاده از پوشش محلی - آزادی در اجرای آداب و رسوم محلی و قومی - عدم اجرای مطالبات قانونی مطابق با قانون اساسی - عدم به‌کارگیری نخبگان در سطح پست‌های مدیریتی در استان و کشور - عدم تحقق انتظارات 	<ul style="list-style-type: none"> - تئوری برادول - تئوری مارشال - مصاحبه با خبرگان
تأثیرگذاری تحولات سیاسی	<ul style="list-style-type: none"> - دستگیری عبدالله اوجالان - ابطال آرای انتخابات در چند حوزه انتخابیه در مجلس ششم - رد صلاحیت گسترده اصلاح‌طلبان استان در مجلس هفتم - تأثیر احزاب اپوزیسیون کرد در خارج از کشور - عدم حضور کاندیدای برجسته در دوره نهم انتخابات ریاست جمهوری - احساس مورد تبعیض واقع شدن مردم استان - سرخوردگی از دولت اصلاحات - اثرگذاری سیاسی 	<ul style="list-style-type: none"> - مصاحبه با خبرگان - تئوری رابرت دال - تئوری برادول - تئوری اولسون - تئوری لیو
تغییر و تحولات کردستان عراق	<ul style="list-style-type: none"> - انتخاب رئیس جمهور کرد در کشور عراق - تشکیل حکومت خودگردان در کردستان عراق - رشد سیاسی اقوام کرد در کشور عراق - رشد منزلت اجتماعی قوم کرد در عراق 	<ul style="list-style-type: none"> - مصاحبه با خبرگان

از جمله مناطق ایران که پس از انقلاب اسلامی دستخوش تحولات گوناگون و بحران‌های اجتماعی و فرهنگی و سیاسی گردید، استان کردستان بود. اگر بخواهیم به بحثی فراگیر درباره درگیری‌ها و نزاع‌های خشونت‌بار کردستان بپردازیم، پیداست که به‌علت گستردگی و تنوع فراوان، چیزی در این نوشته حاصل نخواهد شد ولی به اختصار می‌توان گفت به‌علت عدم بلوغ و تکامل احزاب و گروه‌های سیاسی و نبود فرهنگ گفتگو و رقابت سالم و قانونی، و نبودن رویه تساهل و تسامح و خویشن‌داری حزبی، مخدوش بودن مرزهای رقابت حزبی و برخورد آن با منافع ملی و عدم تشخیص و رویت این مرزها توسط جمعیت‌ها و احزاب و گروه‌های سیاسی، از شرایط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ایجاد شده در دوران بعد از انقلاب ۱۳۵۷ به‌درستی استفاده نشد.

به‌جای کار و تلاش و رقابت سالم، با متهم کردن یکدیگر، تهمت و برچسب و تکفیر یکدیگر، از فرصت طلایی ایجاد شده که محصول ده‌ها سال مبارزه بود به‌درستی استفاده نشد. پس از درگیری‌های خشونت‌بار، احزاب و گروه‌ها و جنگ مسلحانه در کردستان و رویارویی تمام عیار مرکز با گروه‌های اپوزیسیون بر انداز، شاهد حکومت نظامیان و رویه نظامی‌گری در کردستان بودیم و به‌نوعی تمام پست‌های مدیریتی و اجتماعی را نظامیان و یا مشابهان فکری آنان اشغال کردند و کلیه فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی تعطیل گردید. روشن است که نتیجه چنین فضایی فقر فرهنگی و اجتماعی و سیاسی خواهد بود. پس از فروکش کردن دامنه درگیری‌های نظامی در کردستان و به‌ویژه در سال‌های پایانی دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰، اجرای برنامه‌های ۵ ساله توسعه توسط دولت در بسیاری از مناطق و از جمله در کردستان امیدهایی را برانگیخت. مردم امیدوار گردیدند پس از پایان درگیری‌های منطقه کردستان ایران و نیز جنگ ۸ ساله با عراق زمینه سرمایه‌گذاری اقتصادی دولت در منطقه افزایش یافته، توسعه صنعتی و اقتصادی منطقه در اولویت قرار گیرد. کارخانه‌های جدید راه‌اندازی شود سهم کردها به‌ویژه کردهای اهل سنت در مدیریت سیاسی و ساختار قدرت کشور افزایش یابد، اما گذشت چهار سال از ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی برای مردم به‌معنای دستیابی به آرزوها و آمال نبود و در دور دوم انتخاب هاشمی رفسنجانی به ریاست جمهوری، کردستان تنها استانی است که

به هاشمی رفسنجانی «نه» می‌گوید! و احمد توکلی در ششمین انتخابات ریاست جمهوری در استان کردستان حائز اکثریت آراء می‌شود. و بدین وسیله مردم کردستان به آرامی نارضایتی خویش را از وضع موجود با رأی خود بیان می‌کنند. با پایان یافتن جنگ تحمیلی، حزب دموکرات کردستان ایران با میانجی‌گری اتحاد میهنی کردستان عراق، پیشنهادهایی را به جمهوری اسلامی ایران برای رسیدن به یک راه‌حل مسالمت‌آمیز دربارهٔ کردستان ارائه داد اما در ۲۲ تیر ماه ۱۳۶۸ و در جریان دومین دوره این مذاکرات در شهر وین عبدالرحمان قاسملو و پنج تن دیگر از مذاکره‌کنندگان کرد ترور شدند و در سال ۱۳۷۰ صادق شرفکندی، جانشین قاسملو در برلین مورد سوء قصد قرار گرفت و ترور شد. عوامل مذکور همان‌طور که گفته شد در ذهنیت و تلقی مردم از دولت هاشمی اثرات منفی برجای گذاشت که مردم استان اعتراض خود را نسبت به وضعیت موجود و سیاست‌های دولت در منطقه را در انتخابات با مشارکت منفی خود اعلام داشتند. فضای کردستان از سال ۷۴-۷۵ تحت تأثیر چند عامل رو به ایجاد فضایی مسالمت‌آمیز گذاشت. آن عوامل عبارتند از:

۱- رو در رویی احزاب کردستان عراق که در طی آن دو حزب عمده به کشتار وسیع یکدیگر دست زدند. این احزاب عبارتند از حزب دموکرات کردستان عراق به رهبری مسعود بارزانی و حزب اتحاد میهنی کردستان عراق به رهبری جلال طالبانی. تحت تأثیر این درگیری وسیع، چندین هزار نفر از مردم شهرهای مجاور مرزهای از جمله مناطقی از سلیمانیه عراق به ایران گریخته و در جوار شهرهای بانه و مریوان ساکن شدند (اواخر سال ۱۳۷۵) این درگیری‌ها که بر سر منافع حزبی و جناحی و اختلاف در مورد رهبری کردستان عراق ایجاد گردید، باعث شد تا بسیاری از روشنفکران و جوانان و تحصیل کرده‌گان کرد ایرانی نسبت به تشکیل و ایجاد کردستان واحد دچار شک و تردید شوند و آرمان و ایده ال کردستان واحد دچار تزلزل اساسی گردد.

۲- تحت تأثیر همین وقایع عینی و مشکلات عدیده‌ای که بر سر راه ایجاد کردستان واحد وجود داشت، حزب دموکرات کردستان ایران، مشی درگیری و ترور پراکنده را به کلی متوقف کرده و تنها فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی خود را از راه برنامه‌های رادیویی و اعزام بعضی از

هواداران به مناطق کردستان ایران دنبال کرد و عملاً از سال ۷۵ به بعد، خطر درگیری مسلحانه و ترور به نقطه صفر رسیده بود و تغییرات وسیعی در اندیشه روشنفکران، دانشجویان و اقشار دیگر صورت گرفت که این افکار در سال ۱۳۷۶ مجال ظهور و بروز یافتند.

۳- از سال ۱۳۷۵ به بعد فضای فرهنگی و سیاسی کشور به تدریج تغییر کرد و در دوره انتخابات ریاست جمهوری در سال ۷۶ تغییرات اساسی در سمت‌گیری افکار عمومی و مطبوعات و آزادی‌های مشروع سیاسی و اجتماعی صورت گرفت که به شدت در مناطق کردستان ایران نیز تأثیر خود را برجا گذاشت و روزه امید را می‌گشود که به‌طور مسالمت‌آمیز و در چارچوب قانون اساسی نیز می‌توان به فعالیت پرداخت و شاهد رشد و شکوفایی کردستان بود. علاوه بر موارد مذکور رویکرد مثبت آقای خاتمی در آستانه انتخابات ریاست جمهوری و طرح شعارهایی در باب آزادی و دموکراسی و همچنین شعار ایران برای همه ایرانیان در کردستان باعث تغییر نگرش مردم استان و مشارکت حداکثری آنها در انتخابات دوم خرداد گشت. هرگاه واقعه یا تحولی در ایران به‌وقوع بپیوندد به‌ویژه اگر این تحول در حوزه سیاست باشد این پرسش برای بسیاری از فعالان سیاسی و مردم کردستان پیش می‌آید که تحول و رویداد به‌وقوع پیوسته، آیا موجب تغییر در شرایط و موقعیت کردها در ایران می‌شود؟ آیا نگرش حاکمیت نسبت به کردها تغییر می‌کند؟

«دوم خرداد» یکی از تحولاتی بود که به شکل یک واقعه مهم متجلی گردید و سهم کردها نیز در شکل‌گیری این رخداد برجسته بود. مردم کردستان در انتخابات دوم خرداد در حد قابل توجهی به پای صندوق‌های رأی آمدند و با دادن رأی خویش به سید محمد خاتمی همدلی و همراهی عظیمی را با مردم ایران از خود به نمایش گذاشتند. با شروع به‌کار دولت اصلاحات بارقه‌های امید نه در کردستان بلکه در تمام ایران برانگیخت. مردم، منتظر اصلاحات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی وسیع در کشور و به‌ویژه در منطقه بودند که انتخاب استاندار کرد یعنی عبدالله رمضانزاده اولین گام رئیس‌جمهور در اجرای برنامه‌هایش در کردستان بود. تغییر تدریجی مدیریت‌های منطقه و استفاده از برخی نیروهای کرد اهل سنت در رده‌های مسئولیتی چون معاونت برنامه‌ریزی استاندار، دو فرماندار کامیاران و دیواندره، مدیر کل راه و ترابری،

صنایع، امور اداری و اقتصادی مجوز تأسیس و انتشار چندین نشریه دو زبانه کردی - فارسی، برگزاری دوجلسه ویژه هیأت دولت در ارتباط با مسائل استان کردستان و ... از جمله اقدامات مثبت دولت اصلاحات در منطقه بود. شروع اصلاحات و چشم‌انداز مثبت تحولات آتی تا جایی تأثیرگذار بود که حتی برخی احزاب اپوزیسیون کرد مانند حزب دموکرات مردم را به مشارکت در انتخابات شوراها و مجلس ششم دعوت نمودند. اما علی‌رغم این تحولات مثبت با اتفاقات و حوادث ناگوار و برخی کاستی‌ها و فعالیت‌ها روی دیگر اوضاع سیاسی - اجتماعی کردستان را به تصویر کشید که نمونه‌هایی از آن عبارتند از: مقاومت در برابر تغییر برخی نیروها به‌ویژه در سطح روسای آموزش و پرورش در منطقه و استفاده از رؤسای اهل سنت در سطح شهر سنندج و سایر مناطق شهری بزرگ استان. کمبود سرمایه‌گذاری صنعتی، ادامه فعالیت گزینش‌ها با رویه پیشین و از همه مهمتر دو اتفاق و رویداد جدی و ناگوار، یکی مربوط به حوادث خشونت‌بار پس از دستگیری اوجالان در سطح سنندج و دیگری ابطال نتیجه انتخابات سقز و بانه پس از انتخاب خالد توکلی.

به‌دنبال دستگیری عبدالله اوجالان رهبر حزب کارگران کرد ترکیه (P.K.K) در مناطق کردنشین کشور اعتراضاتی به‌نحوه این دستگیری رخ داد که در طی حادثه‌ای مشکوک در سنندج متأسفانه تعدادی جان باختند. عدم برخورد شفاف مسئولین سیاسی و امنیتی و قضایی با علل و عوامل به‌وجود آورنده حادثه و عدم اطلاع‌رسانی شفاف نسبت به ابعاد قضیه و عدم پاسخگویی ریاست جمهوری نسبت به درخواست مردم منطقه در جهت تشکیل گروه ویژه تحقیق و تفحص و معرفی مسببان حوادث خشونت‌بار سنندج، موجبات نارضایتی شدید آنان را فراهم ساخت. نامشخص بودن تعداد کشته شدگان، مجروحان و دستگیر شدگان و نیز ابهامات فراوان پیرامون علل وقوع این قضیه، بی‌تردید یکی از نقاط ضعف در کار دولت اصلاحات بود. همچنین پس از برگزیده شدن «خالد توکلی» به‌عنوان نماینده حوزه‌های سقز و بانه در مجلس شورای اسلامی، ابطال نتیجه آن انتخابات توسط شورای نگهبان آن‌هم بدون بدون ارائه مستندات و دلایل مشخص از دیگر رویدادهای این دوره می‌باشد. در این زمینه استاندار کردستان طی سخنانی مندرج در هفته‌نامه سیروان مورخ ۱۳۷۹/۱۲/۱۵ اعلام داشت.

«تنها جایی که بدون بازشماری حتی یک رأی، انتخاباتش باطل شد حوزه سقز و بانه بود، چرا که در سه مرحله بازرسی حتی یک صندوق هم باز نشد و تا به حال هم هیچ دلیلی برای ابطال آن از سوی مراجع ذیربط ابلاغ نشده است» (هوشمند، ۱۳۸۰: ۷۴).

در همین زمینه آمارها نشان می‌دهد که در انتخابات هفتمین دوره ریاست جمهوری از کل ۱۶۷۹۸۵ نفر واجد شرایط حوزه سقز و بانه ۱۴۴۱۲۲ نفر یعنی حدود ۸۵ درصد واجدین شرایط شرکت داشته‌اند، اما در انتخابات هشتمین دوره ریاست جمهوری از مجموع ۲۰۲۵۱۷ نفر واجدین شرایط رأی در حوزه بانه و سقز تنها ۹۳۱۹۷ نفر یعنی ۴۵/۷۹ درصد در انتخابات شرکت نموده‌اند. بدین ترتیب نه تنها شاهد کاهش چشمگیر حضور مردم در صحنه انتخابات هستیم بلکه حتی از لحاظ عددی نیز حدود ۵۰۹۲۵ رأی به نسبت ۴ سال قبل، از میزان مشارکت مردم این حوزه انتخابیه کاسته است. رد صلاحیت‌های گسترده اصلاح‌طلبان در انتخابات مجلس هفتم نیز یکی دیگر از عوامل نارضایتی مردم استان کردستان می‌باشد. اگرچه در انتخابات مجلس، انگیزه‌ها محلی، شهری، منطقه‌ای نیز در مشارکت مردم تأثیرگذار است و از این حیث با انتخابات ریاست جمهوری تفاوت دارد. به نظر می‌رسد رشد تدریجی مشارکت از دوره اول تا ششم به‌ویژه افزایش قابل توجه مشارکت در انتخابات دوره ششم مجلس شورای اسلامی تا حد زیادی ناشی از اعتقاد به تأثیر حضور و مشارکت در انتخابات است. در مجلس هفتم در سال ۱۳۸۲ به دلیل فضای خاص سیاسی اجتماعی این دوره و تشدید اختلافات جناحی در کشور به دنبال رد صلاحیت بخش عمده کاندیداهای اصلاح‌طلب باعث شد عملاً این جناح خود را از مشارکت در انتخابات کنار کشیده، مردم را نیز از مشارکت باز دارند. که شاهد افت مشارکت سیاسی می‌باشیم در انتخابات دوره ششم مجلس مشارکت کشوری ۶۷/۳۵ بود که این رقم در استان کردستان ۷۰/۱۸ درصد می‌باشد در انتخابات دوره هفتم درصد مشارکت به ۵۰/۵۷ درصد کاهش می‌یابد که این رقم در استان کردستان به ۳۲/۶ درصد رسید. همان‌گونه که مشاهده می‌شود کاهش معناداری در پی رد صلاحیت‌های صورت گرفته در استان کردستان در میزان مشارکت شهروندان این منطقه رخ داده است به گفته جلالی‌زاده رد صلاحیت ۵ تن از اصلاح‌طلبان در آستانه انتخابات مجلس هفتم و بیانیه‌هایی که

در اعتراض به این رد صلاحیت‌ها منتشر شد، در کاهش مشارکت مردم استان در انتخابات دوره نهم ریاست جمهوری تأثیرگذار بود.

جدول شماره ۲: آمار مشارکت مردم استان کردستان در انتخابات مجلس شورای اسلامی دوره ششم و هفتم

سال	درصد مشارکت	کل آراء ماخوذه	واجدین شرایط	دوره
۱۳۷۹-۸۲	۷۰/۱۸	۵۸۴۰۷۵	۸۳۲۲۳۶	ششم
۱۳۸۲-۸۵	۳۲/۲۶	۳۲۸۷۱۱	۱۰۱۸۷۸۷	هفتم

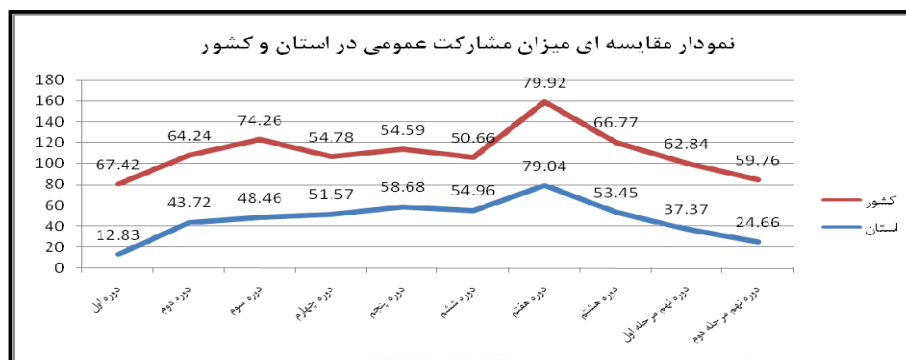
منبع: سایت استانداری استان کردستان

از آنجایی که استان کردستان به‌عنوان قسمتی از پهنه ایران، همچون دیگر نقاط کشور از این تغییر صورت گرفته در کشور تأثیر پذیرفت ولی در ادامه این مشارکت سیر نزولی پیدا کرد که ما با توجه به ساختار منطقه که از تجانس کمتری با کشور برخوردار است سعی در پیدا کردن مهمترین عوامل توجه یا رویکرد مثبت به این تغییر صورت گرفته و علل دل‌سرد شدن شهروندان استان از آن را داریم. استان کردستان چون تجانس فضایی کمتری نسبت به سایر نقاط کشور دارد، تفاوت‌های فضایی‌اش بیشتر است که انعکاس این تفاوت در طول تاریخ، نگرش‌ها و رفتارهای سیاسی ناهمگونی بوده که از خود بروز داده است. لذا با توجه به شرایط منطقه مقاله حاضر مؤلفه‌های سیاسی مؤثر در مشارکت شهروندان استان با توجه محیط سیاسی استان مورد بررسی قرار داده است که عبارتند از: ابطال آرای انتخابات در چند حوزه انتخابیه در مجلس ششم، حوادث متعاقب دستگیری عبدالله اوجالان در استان، تأثیر احزاب اپوزیسیون کرد در خارج از کشور، سرخوردگی از دولت اصلاحات، احساس مورد تبعیض واقع شدن مردم استان، عدم حضور کاندیدای محبوب در دوره نهم، اثرگذاری سیاسی.

جدول شماره ۳: وضعیت مشارکت انتخاباتی مردم استان کردستان در انتخابات نه دوره ریاست جمهوری

ردیف	انتخابات ریاست جمهوری	تعداد واجدین شرایط در استان	تعداد شرکت کنندگان در استان	میزان مشارکت عمومی در استان (به در صد)
۱	اولین دوره	۴۶۰۷۷۵	۵۹۱۰۰	۱۲.۸۳
۲	دومین دوره	۴۸۶۹۳۱	۲۱۲۸۸۴	۲۳.۷۲
۳	سومین دوره	۴۸۶۹۳۱	۲۳۵۹۸۰	۴۸.۴۶
۴	چهارمین دوره	۵۴۳۷۸۰	۲۸۰۴۵۱	۵۱.۵۷
۵	پنجمین دوره	۶۰۷۲۵۶	۳۵۶۳۳۳	۵۸.۶۸
۶	ششمین دوره	۶۹۴۶۸۷	۳۸۱۷۹۰	۵۴.۹۶
۷	هفتمین دوره	۷۸۱۰۴۸	۶۱۷۳۵۱	۷۹.۰۴
۸	هشتمین دوره	۹۱۰۳۶۴	۴۸۶۵۹۶	۵۳.۴۵
۹	نهمین دوره (در دو مرحله)	۱۰۳۲۳۰۶	۳۸۵۷۷۶	۳۷.۳۷
		۱۰۳۲۳۰۶	۲۵۷۶۴۳	۲۴.۶۶

بررسی اجمالی روند مشارکت مردم کردستان در انتخابات ریاست جمهوری برای انتخاب مدیر ارشد اجرایی کشور نشان‌دهنده روندی افزایشی و رو به رشد است که در انتخابات هفتمین دوره ریاست جمهوری به اوج رسید ولی پس از چهار سال این روند افزایشی سیر نزولی آغاز کرد. این روند نشان می‌دهد که مردم کردستان بر خلاف تبلیغات ضد انقلاب ترجیح می‌دهند مطالبات و خواسته‌های خود را در چارچوب قانون اساسی و همسو با مصالح نظام اسلامی مطرح کنند و روند نزولی مشارکت بیانگر این واقعیت است که دولت‌های برخاسته از انتخابات هفتم و هشتم نتوانسته است پاسخ مناسبی به این خواسته‌ها ارائه کنند. با توجه به آمار جدول فوق شاهد کاهش ۲۵/۵ درصدی مشارکت مردم استان از انتخابات هفتم تا هشتم می‌باشیم. سیر نزولی مشارکت استمرار یافت و در مرحله نخست نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری این کاهش از انتخابات هفتم تا نهم به مرز ۴۱/۶۷ رسید.



نمودار شماره ۱: مقایسه میزان مشارکت عمومی در استان و کشور. ماخذ: نگارنده

۵- تجزیه و تحلیل

یافته‌های توصیفی تحقیق نشان می‌دهد از تعداد نمونه آماری، ۷۱/۴ درصد از پاسخگویان مرد و ۲۸/۶ درصد زن بودند. شاخص دیگر میزان تحصیلات پاسخگویان بود که ۵۹/۳ کارشناسی ارشد و ۴۰/۷ دکتری بودند. در تحقیق انجام شده سن پاسخگویان به تفکیک در ۴ گروه سنی آورده شده است. ۷۰/۸ پاسخگویان زیر ۳۵ سال، ۱۰/۸ بین ۳۵ تا ۴۵ سال، ۱۴/۸ بین ۴۵ تا ۵۵ سال ۳/۶ بالای ۵۵ سال داشتند. بیشترین فراوانی را گروه سنی زیر ۳۵ سال با ۷۰/۸ درصد دارد و کمترین فراوانی نیز به گروه سنی ۵۵ سال به بالا دارد که ۳/۶ درصد پاسخگویان را شامل می‌شود. شاخص توصیفی دیگر محل سکونت است که نشان می‌دهد ۸۳/۴ درصد آنها در مناطق شهری و کمتر از ۱۶/۶ آنها در مناطق روستایی بودند. همچنین از لحاظ وضعیت تأهل از کل پاسخگویان ۶۳/۹ درصد را افراد مجرد و ۳۶/۱ درصد را افراد متأهل تشکیل می‌دهند. از لحاظ پایگاه اجتماعی ۳۱/۹ از پاسخگویان استاد دانشگاه و ۶۸/۱ دانشجوی بودند.

جدول شماره ۴: توزیع فراوانی وضعیت عضویت پاسخ دهندگان در تشکل های سیاسی

تعداد	درصد	تشکل های سیاسی
۲۷۷	۸۳/۴	عدم عضویت
۲۶	۷/۸	انجمن اسلامی
۲۰	۶/۰	انجمن علمی
۵	۱/۵	جامعه اسلامی
۴	۱/۲	تشکل های محلی
۳۳۲	۱۰۰	مجموع

جدول فوق نشان دهنده توزیع پاسخگویان به تفکیک عضویت آنها در گروه ها و تشکل های سیاسی می باشد. بر اساس اطلاعات جدول فوق بیشترین فراوانی را عدم عضویت در گروه های سیاسی با ۸۳/۴ درصد تشکیل می دهد و کمترین فراوانی را عضویت در تشکل های محلی با ۱/۲ درصد می باشد.

جدول شماره ۵: توزیع فراوانی گرایش سیاسی پاسخ دهندگان در انتخابات

تعداد	درصد	گرایش سیاسی
۴	۱/۲	کاندیدای مستقل
۲۷۷	۸۳/۴	اصلاح طلب
۵۱	۱۵/۴	اصول گرا
۳۳۲	۱۰۰	مجموع

جدول فوق نشان دهنده توزیع پاسخگویان به تفکیک گرایش سیاسی آنها می باشد. بر اساس جدول فوق بیشترین فراوانی را گرایش به جناح اصلاح طلب با ۸۳/۴ درصد می باشد، سپس گرایش به جناح اصول گرا با ۱۵/۴ درصد و گرایش به کاندیدا با گرایش مستقل ۱/۲ درصد می باشد.

همان گونه که ذکر گردید جهت بررسی و تعیین تأثیرگذاری عوامل یا مؤلفه های اقتصادی، رسانه ها، حقوق شهروندی، تحولات سیاسی و تحولات کردستان عراق بر دلایل کاهش میزان مشارکت شهروندان کرد در انتخابات ریاست جمهوری سالهای ۱۳۷۶-۱۳۸۴ از (آزمون T

تک نمونه‌ای^{۱)} استفاده شد. همان‌گونه که جدول شماره ۶ نشان می‌دهد سطح معنی‌داری (Sig) به‌دست آمده برای تمام متغیرها (اقتصادی، رسانه‌ها، حقوق شهروندی، تحولات سیاسی و تحولات کردستان عراق) کمتر از مقدار آلفا ۰/۰۵ است و فرض تحقیق تأیید می‌گردد به‌عبارت دیگر این مؤلفه‌ها در کاهش مشارکت مردم در انتخابات مؤثر هستند.

جدول شماره ۶: سطح معناداری ارزیابی ساکنین از مؤلفه‌های مؤثر بر دلایل کاهش میزان مشارکت شهروندان استان کردستان

مؤلفه‌ها	آماره T	DF	Sig*	میانگین	Test-Value (حد متوسط)	تأیید/رد
اقتصادی	۱۸/۳۷	۳۳۱	۰/۰۰۰	۲۲/۱۸	۱۸	تأیید
رسانه‌ها	-۱۲/۴۹	۳۳۱	۰/۰۰۰	۹/۹۳	۱۲	تأیید
حقوق شهروندی	۲۵/۴۸	۳۳۱	۰/۰۰۰	۳۳/۰۶	۲۷	تأیید
تحولات سیاسی	۱۰/۳۷	۳۳۱	۰/۰۰۰	۲۵/۹۳	۴۲	تأیید
تحولات کردستان عراق	۱۲/۹۱	۳۳۱	۰/۰۰۰	۱۴/۵۴	۱۲	تأیید

همان‌طور که در جدول شماره ۷ مشاهده می‌شود در سطح اطمینان ۹۹ درصد، همبستگی و رابطه مثبت و معنی‌داری بین متغیرهای مستقل و مشارکت وجود دارد. در نمودار شماره ۲ میزان همبستگی هر یک از مؤلفه‌های پنج‌گانه تحقیق با مؤلفه اصلی تحقیق یا متغیر وابسته تحقیق (مشارکت) نشان داده شده است. همان‌طور که از نمودار مذکور می‌توان استنباط نمود، مؤلفه «تغییر و تحولات سیاسی» دارای بیشترین همبستگی با متغیر اصلی یا وابسته تحقیق (۰/۸۵) می‌باشد. پس از آن به ترتیب «مؤلفه‌های حقوق شهروندی»، «عوامل یا مؤلفه‌های اقتصادی»، «تغییر و تحولات کردستان عراق» و «رسانه‌ها» در رتبه‌های ۲ تا ۵ قرار می‌گیرند. جهت سنجش فرضیات تحقیق از آزمون رگرسیون استفاده شد که نتیجه حاصله در جدول شماره ۷ مشاهده می‌شود:

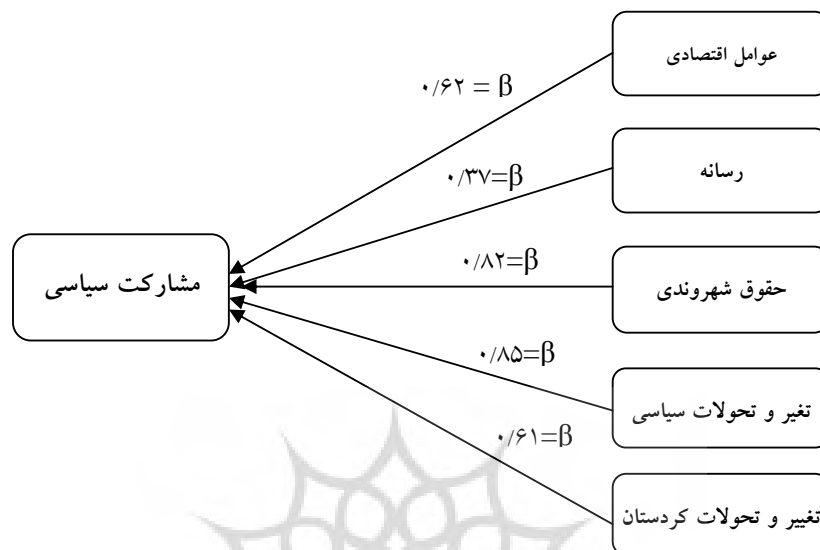
1. One-Sample T-Test

جدول شماره ۷: نتیجه آزمون رگرسیون برای فرضیات

فرضیه	متغیر مستقل	متغیر وابسته	R	R ²	B بتا	آزمون T	Sig*	نتیجه
شماره ۱	مؤلفه‌های اقتصادی	مشارکت	۰/۶۲	۰/۳۸	۰/۶۲	۱۴/۴۵	۰/۰۰۰	تأیید
شماره ۲	عامل رسانه	مشارکت	۰/۳۷	۰/۱۴	۰/۳۷	۷/۳۸	۰/۰۰۰	تأیید
شماره ۳	مؤلفه حقوق شهروندی	مشارکت	۰/۸۲	۰/۶۸	۰/۸۲	۲۶/۷۷	۰/۰۰۰	تأیید
شماره ۴	مؤلفه تغییر و تحولات سیاسی	مشارکت	۰/۸۵	۰/۷۲	۰/۸۵	۲۹/۷۱	۰/۰۰۰	تأیید
شماره ۵	مؤلفه تغییر و تحولات کردستان عراق	مشارکت	۰/۶۱	۰/۳۷	۰/۶۱	۱۳/۹۳	۰/۰۰۰	تأیید

۶- نتیجه‌گیری

در این پژوهش، هدف اصلی بررسی علل و عوامل کاهش مشارکت شهروندان استان کردستان در انتخابات ریاست جمهوری در دوره‌های هشتم و نهم بعد از یک دوره رشد یعنی دوره هفتم می‌باشد. که در این راستا فرضیاتی ارائه شد و در نهایت مشخص شد که عوامل اقتصادی، رسانه‌ها، حقوق شهروندی، تغییر فضای سیاسی کشور و همچنین تغییر و تحولات سیاسی در کردستان عراق بر کاهش سطح مشارکت مردم استان کردستان تأثیرگذار بوده‌اند.



نمودار شماره ۲: مدل نهایی تحقیق

با توجه به مدل مفهومی به دست آمده برای تحقیق، متغیرهای ۵ گانه معرفی شده همگی از عوامل اصلی تأثیرگذار بر روند کاهش مشارکت مردم استان کردستان در انتخابات ریاست جمهوری در دوره مذکور می‌باشند. طبق ضریب بتا به دست آمده برای هر یک از متغیرهای مدل، ترتیب معنی‌داری و تأثیرگذاری این متغیرها به شکل زیر است. مهمترین متغیر تأثیرگذار متغیر عوامل (تحولات) سیاسی است که دارای ضریب همبستگی برابر ۰/۸۵ می‌باشد. اولویت بعدی مربوط به متغیر حقوق شهروندی می‌باشد (۰/۸۲) و در ادامه ترتیب متغیرهای اصلی تأثیرگذار بر کاهش مشارکت با توجه ضریب بتای به دست آمده برای آنها عبارت است از، متغیر اقتصادی (۰/۶۲)، تغییر و تحولات کردستان عراق (۰/۶۱)، و رسانه‌ها با ۰/۳۷.

۷- قدردانی

مقاله حاضر مستخرج از پایان نامه کارشناسی ارشد تحت همین عنوان می‌باشد، لذا نگارندگان بر خود لازم می‌دانند از دانشگاه تربیت مدرس و گروه علوم سیاسی آن دانشگاه به خاطر مساعدت‌هایشان قدردانی به عمل آورند.

منابع

۱. پرچمی، داوود (۱۳۸۶)؛ بررسی مشارکت مردم در نهمین انتخابات ریاست جمهوری، پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۵۳.
۲. حافظنیا، محمدرضا، پورطاهری، مهدی و حسن ربیعی (۱۳۷۸)؛ نقش تفاوت‌های مکانی در نگرش شهروندان نسبت به مشروعیت حکومت دینی مطالعه موردی: تهران، فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک، سال چهارم، شماره دوم.
۳. راش، مایکل (۱۳۷۷)؛ جامعه و سیاست، ترجمه؛ منوچهر صبوری، تهران: انتشارات سمت.
۴. فکوهی، ناصر (۱۳۷۹)؛ از فرهنگ تا توسعه، تهران: انتشارات فردوسی.
۵. کاویانی‌راد، مراد و ویسی، هادی (۱۳۸۷)؛ بررسی تأثیر همسایگی بر انتخابات ایران مطالعه موردی: دور نخست نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در ایران، فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک، سال چهارم، شماره سوم.
۶. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۳)؛ جامعه‌شناسی، ترجمه، منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
۷. مقصودی، مجتبی (۱۳۸۰)؛ تحولات قومی در ایران: علل و زمینه‌ها، چاپ اول، تهران: نشر موسسه مطالعات ملی.
۸. هوشمند، احسان (۱۳۸۰)؛ خاتمی و کردستان، دوماهنامه چشم‌انداز ایران، مهر ماه، شماره ۱۰.
۹. سایت استانداری استان کردستان؛ www.ostan-kd.ir/default.aspx?tabid=225#
10. Broadwell, Wendell (2006); Political Participation Georgia Perimeter College Rockckdale/Newton Campus, [www. Gpu/- Wbroadwe](http://www.Gpu/-Wbroadwe).
11. Uhlaner. C. J (2004); Participation: Political. International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences, Pages 11078-11082.
12. Edward c. Olson (2005); Political Particpation, [http://www.Angelo.edu/dept/Government/onlin %20 lectures.htm](http://www.Angelo.edu/dept/Government/onlin%20lectures.htm).
13. Robertson, David (1993); A Dictionary of Modern Politics, 2ed. London, Europa Publication Limited.
14. Sills, David (1968); Internation Encyclopedia Of Social Sciences, New York, Macmillan Company and the Free Press.